

پروندہ
ویژہ



اشارہ

تا حرف جوانی و عوالم حاکم بر آن به میان می‌آید، انگشت اشاره نسل‌های قبلی، رفتارهای نسل جدید را نشانه می‌گیرد. بعد هم بی‌درنگ دست بر دست می‌کوبند، حسرت می‌خورند و آه می‌کشند که: «یادش بخیر ما کی از این کارها می‌کردیم؟ ما پیش پدر و مادرمان ادب به خرج می‌دادیم، دست به سینه می‌ایستادیم، حرمت نگاه می‌داشتیم، یابمان را دراز نمی‌کردیم!» و...

اما حالا چی؟ این جوان‌های امروزی مگر حرمت نگه می‌دارند؟ حیا را قورت داده‌اند و...

این حکم صادر شده جوانان دیروز است در برابر خط و خطای جوانان امروز؛ لغزش و اشتباهی که از نظر آن‌ها مشهود، علنی، مسلح و میرهن است. یکی از این عرصه‌ها که از نظر بزرگترها نسل جدید بی‌محبا کرانه‌هایش را در نور دیده، مقوله‌ای است که ادبیات گفتاری نسل چهارم می‌خواندند. یک کلام ختم کلام؛ بحث، بحث شیرین زبان مخفی است و دیگر هیچ...



«فحش‌های چراغانی شده»



از چاله میدان تا فرهنگستان



«سرازمی بدون دست انداز»



三三三三三

متهم ردیف اول این پرونده،

نسل جدید

شما هم حتما از این دست واژه‌ها، عبارات و اصطلاحات را یا در آستین تان دارید یا از زبان همسالان خودتان شنیده‌اید.

این‌ها گاهی مختصر شده واژه‌های قدیمی‌اند (کرتیم مخفف نوکرتیم) یا از لهجه‌های دیگر گرفته شده‌اند (قاراش میش، بیلمز) یا اختصاصی مشاغل مختلف‌اند (چک برگشتی، ماشین مشتی ممدلی) یا از رادیو و تلویزیون آمده‌اند (رابین هود بازی، پت و مت، زیزی گولو...) و یا از تکنولوژی‌های نوین گرفته شده‌اند (هنگ کردی؟، آتن، نویز، mp3). این واژه‌ها و اصطلاحات چطور ساخته می‌شوند؟ از کجا می‌آیند؟ چرا ناگهان همه‌گیر می‌شوند؟ چرا جوان‌ها بیشتر از آن‌ها خوش‌شان می‌آید و اصولا اتفاق خوبی هست یا نه؟ در این‌جا می‌خواهیم راجع به این مسائل حرف بزنیم. پایه‌اید؟!

یه فریخور روشن شه!

نوجوان‌هاست. می‌خواهند قلیان سفارش بدهند. همه سفارش می‌دهند از بابت کم نیاوردن. سه تا قلیان می‌آورند برایشان. حالا نوبت رقابت است و رو کم کنی. یکی اولین دود را که می‌دهد هوا، به سرفه می‌افتد.

- بابا، خیلی پاستوریزه‌ای!

- بپا، افقی نشی عمو!

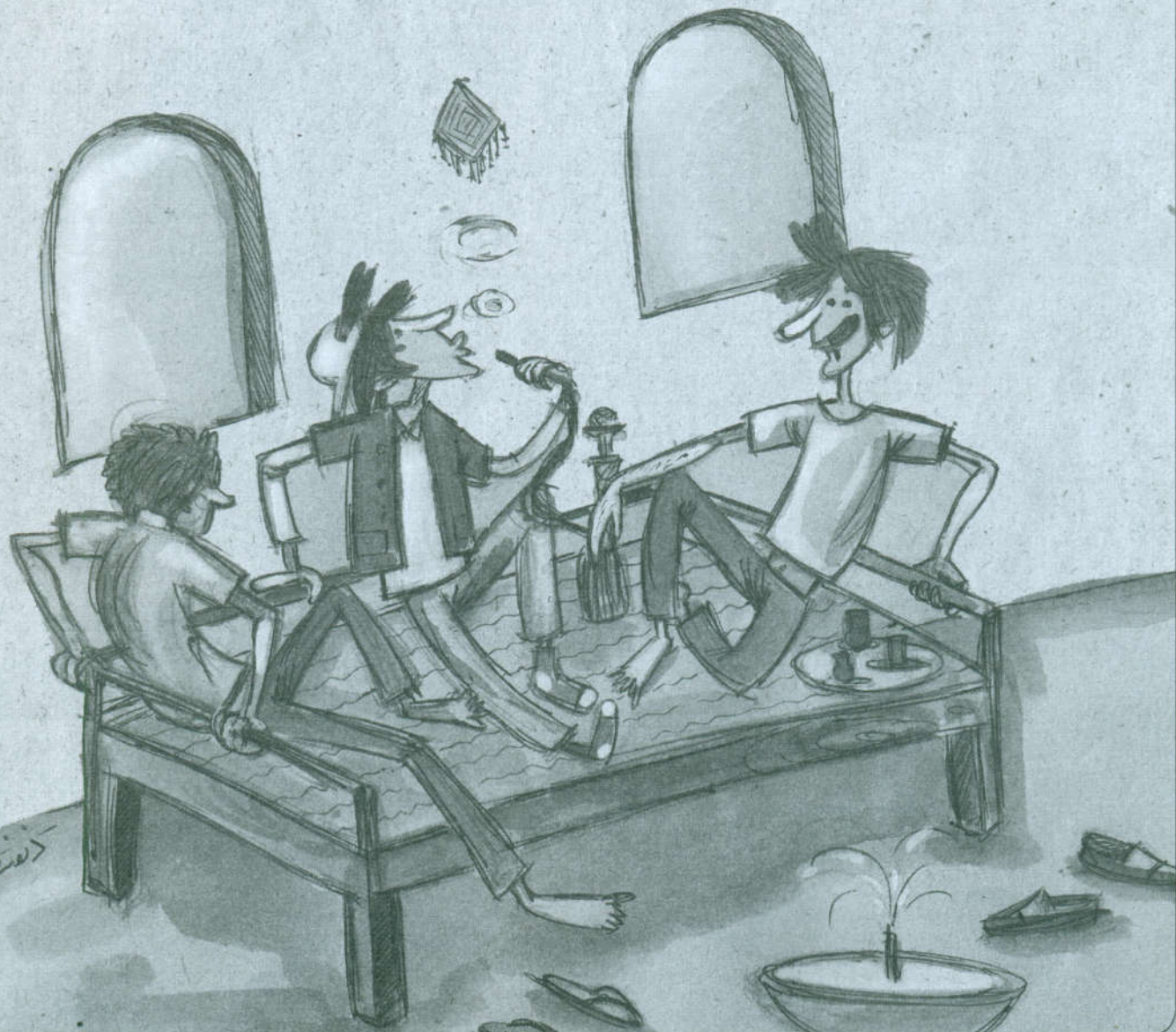
همه می‌زنند زیر خنده. یکی می‌گوید با دنده سنگین برو، جواب میده. اما گویا آن یکی، بی‌خیال قلیان شده. بقیه هم همین‌طور.

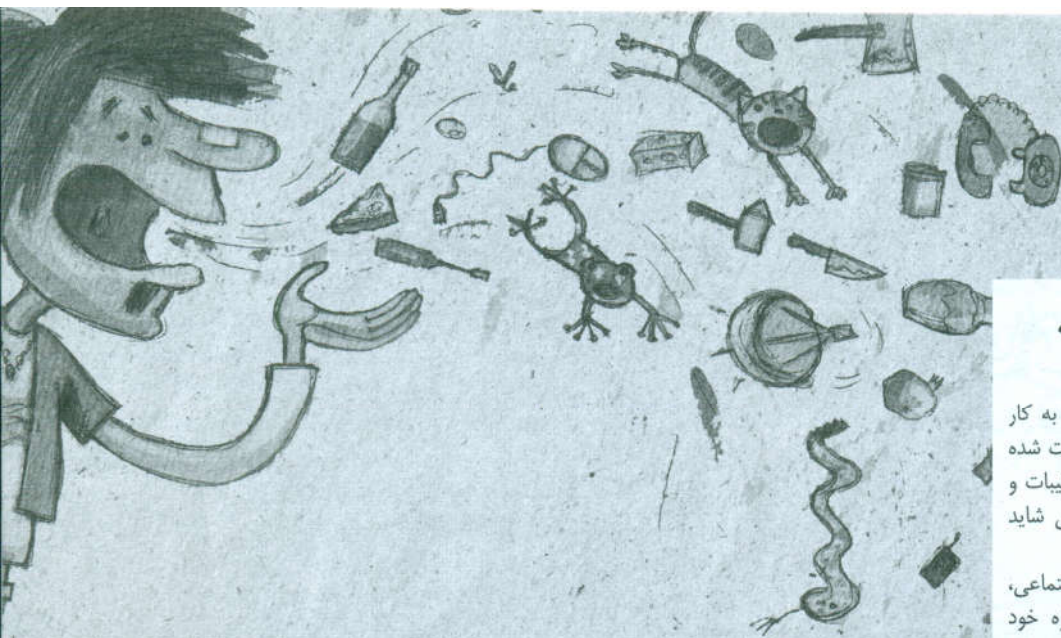
این تنها یک مثال بود. غرض این‌که نحوه صحبت کردن‌شان کاملا جلب توجه می‌کند. واژه‌هایی که به کار می‌برند، اسم‌ها و القابی که روی همدیگر می‌گذارند و... همه و همه حکایت از نسلی دارد که گویا گاه با این طرز صحبت کردن‌شان می‌خواهند از نسل‌های قبلی‌شان فرسنگ‌ها فاصله بگیرند.

یکی از جاهایی که این نوع حرف زدن نسل چهارمی‌ها را می‌توان به وفور شنید، پاتوق‌هاست. جاهایی که حتی به غلط، نوجوانان این روزها دور هم جمع می‌شوند.

اول یک پارچه برزنتی را کنار می‌زنی، بعد یک در دو لته نیم‌تا را خلاف جهت هم باز می‌کنی. بعد یک راست میروی زیرزمین. محوطه بزرگی است، با حوضی در وسط و میز و صندلی‌های شیک و تخته پستی‌هایی در اطراف. این‌جا یک سفره‌خانه سنتی است.

معمولا در این فضاها، روی تخت‌هایی که در گوشه و کنار این سفره‌خانه‌ها تعبیه شده‌اند، جوان‌هایی دیده می‌شوند که به صورت دسته‌جمعی کنار هم نشست‌اند. بقیه اهالی سفره‌خانه، آهسته حرف می‌زنند و نمی‌شود صدایشان را شنید. معمولا در این شرایط، تنها صدای قابل شنیدن، فقط صدای این





زبان مخفی یا آرگودیدگرچه

صیغه‌ای است؟!

اصطلاح «زبان مخفی» برای گونه‌ای از زبان به کار می‌رود که در مقابل زبان رسمی، آشکار و تثبیت شده جامعه قرار می‌گیرد. این نوع زبان، واژه‌ها، ترکیبات و ساختارهای زبان ویژه‌ای را می‌طلبد که گاهی شاید چندان اخلاقی‌گرا و مطلوب نباشند.

به هر حال، هر نسلی به اقتضای شرایط اجتماعی، سیاسی و روانشناختی اطراف خود، زبان ویژه خود را برمی‌گزیند و تلاش می‌کند این زبان را به عنوان زبان خاص خودش به کار گیرد. شکل‌گیری و پیدایش این گونه از زبان که کاربران مخصوص به خود را دارد، حاصل عوامل سیاسی، اجتماعی، زبانی و روانی فراوانی است.

از دیدگاه جامعه‌شناسان، واژه‌های مرتبط به حوزه زبان مخفی، نشانی از خشونت اجتماعی و پرخاشگری خاص جوانان به مجموعه شرایط اجتماعی است که نوعی دهن کجی به نهادهای رسمی جامعه مثل مدرسه، دانشگاه، مردم مبادی آداب و اشراف محسوب می‌شود. در زبان فارسی به دلیل دگرگونی‌های نسلی و تغییرات اجتماعی و رویارویی با نهادهای قدرتمند جامعه مثل خانواده، مدرسه، زبان شسته رفته و مبادی آداب و... نوعی لایه‌های زبانی مخفی پدید آمده که اگرچه در متن‌های نوشتاری از آن نشانی نیست، اما در ذهن و زبان بسیاری از جوانان رسوخ کرده و در گفتارهای روزمره و پیامک‌ها نمود پیدا می‌کند.

کتاب «فرهنگ زبان مخفی» که دو سه سالی است منتشر شده، نمونه مکتوب و ثبت شده زبان مخفی نسل جوان است که البته مشتی از خروار است. با بررسی این فرهنگ لغات، متوجه می‌شویم که عواملی مثل خشم، مسخرگی، لودگی، مبارزه با اتوکشی‌دگی زبانی، طنز، شوخی، اراده معطوف به قدرت‌ستیزی و... در کنار خلاقیت ابداع‌کنندگان این واژه‌ها و ترکیبات، لایه‌ای از زبان را به وجود آورده که در کنار جریان رسمی، قدرتمند و فرهنگستانی زبان فارسی، به حیات خود ادامه می‌دهد و با انعطاف تمام، محصولات ماشینی و پدیده‌های تکنولوژیک (مانند موبایل، اتومبیل و...) و برخی از داده‌های زبانی را به مسخره می‌گیرد و با استفاده از قواعد زبان‌شناسی (البته به طور کاملاً ناخودآگاهانه) به خلق واژه‌ها و ترکیبات زبانی تازه، مخفی و غیررسمی دست می‌زند.

جوانان اغلب با کاربرد واژه‌های مخصوص به رده سنی خود، اعتراض خود را به زبان و نهادهای رسمی، قوانین دست و پاگیر اجتماعی، کج سلیقه‌ی‌ها و بی‌توجهی‌ها، عصا قورت دادگی‌ها و رسمیت‌ها، نشان می‌دهند.

لغتنامه جوانانه

باور کنید برای خودش دنیایی است.
هر طوری خلاصه‌اش کردیم، باز هم زیاد آمد.
ناچار شدیم به قدر جایی که داریم، بی‌رحمانه
بعضی اصطلاحات را قیچی کنیم. در نهایت،
اینی شد که می‌بینید: (در ضمن نشر این نمونه‌ها
در این نشریه به هیچ عنوان نشانه تأیید این طرز
پیان نیست)
اسگل: خل، مشنگ، کسی که رفتارهایش
مسخره است!
اوشکول: غربتی، گیج، معادل پیه!
برو جلو بوق بز: زیاد ادعا نکن، زیاد حرف نزن!
چلغوز: عقب‌مانده، گیج!
چمن‌تیم: مخفف چاکرتیم، نوکرتیم، مخلص‌تیم!
خیالی نیست: مهم نیست، مساله‌ای نیست!
جیک ثانیه: زود، سریع!
دودره: کلک زدن، حقه بازی، کلاه گذاشتن، سر
کار گذاشتن کسی!
سیریش: سمج!
شاسکول: مسخره، خل!
شاسی بلند: قد بلند!
قُزمیت: آدم عقب افتاده!
آلبالو: تقریباً معنای خاصی ندارد و برای ضایع
کردن طرف مقابل به کار برده می‌شود!
آنتی حال زدن: ضد حال زدن، حال طرف را در
شرایط خاص گرفتن!
آواکس: خبرچین!
اجمال‌تیم: کوچک شده شما هستیم!
اخرایتیم: خراب‌تیم!
ارجینال: اصل، منحصر به فرد!
افقی شدن: مردن!
با اتیکت: با شخصیت!
باتری قلمی: لاغر، مردنی!
با دنده سنگین رفتن: عجله نداشتن، آرام و با
طمأنینه راه رفتن!
بچه راکفلر: بچه پولدار!
بیل‌بورد: نهایت تابلو شدن!
پارازیت: اختلال، مزاحمت!
تگری، شکوفه: حالت تهوع، بالا آوردن!
تیتیش: به کسانی گفته می‌شود که خیلی وسواس
دارند و در هر کاری خیلی حساس هستند!
جیرجیرک: پرحرف!
خبرگزاری: سخن‌چین!
دور سه فرمان: کسی که خیلی مشکل دارد؛
سیار قاتی!
سه: مایه شرمندگی!
نک و نال: ناله و زنجوره!
قرل قورت: گرسنگی شدید!
شله‌زرد: شل و وارفته!
قه ثانیه: فوراً!
گرخیدن: ترسیدن!
کف و خون بالا آورد (قاتی کرد): خیلی تعجب
کرد، خیلی هیجان‌زده!
ریلیف (ریلیفش کن): آماده (آمادهاش کن)!
خز و خیل (خز و پیل): خز و دوستان اجتماع
چند خز!
زاخار: مزاحم، چیز ضعیف و بی‌کلاس!
تریپ مرگ: بسیار بدحال و ایضا بسیار باحال!
خط‌خطی‌ام: اعصابم خرد است!
تابلیل: نوعی تابلو، ضایع بودن!
زابلیل: تابلو بودن ضایع!
خالتور: موسیقی بی‌کلاس!
زابلو: تلفیقی از تابلیل و زابلیل با اشاره به ریشه
کلمه!!!
آزیر باش: حواست جمع باشد!
کیشمیشی: درهم و برهم، قاتی!